

آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در نوجوانان و جوانان

Cultural, social and educational vulnerability in adolescents and youths

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۲

Received: 2009/10/24

Accepted: 2010/09/21

Ahmadi Kh. PhD[✉]

خدابخش احمدی[✉]

Abstract

Introduction: This study was performed to evaluate the rate of cultural, social and educative vulnerability and its related factors among adolescents and youth and to provide the possibility of taking protective measures.

Method: This descriptive-analytic study was performed in year 2009-2010 on adolescent children of a governmental center's employees. Target population of 1200 cases was selected using multi-stage cluster sampling from Tehran, Qom, Isfahan, Hamadan, Mazandaran, Ardabil, Kermanshah and Khorasan-e-Razavi and finally 1030 people entered the study. Data was collected using a researcher-made questionnaire including 20 sub-scales. Data was analyzed using statistical indices of correlation, independent t-test and variance analysis, by SPSS 14 software.

Results: In terms of general vulnerability 70.4% of cases were protected, 17.4% was categorized as normal population and only 12.2% of cases were vulnerable. Majority of vulnerabilities were in the areas of feminism and equal approach to males and females, free time mismanagement, tendency to pleasure and materialism.

Conclusion: using all facilities in order to investigate vulnerability in adolescents and youth, establishing family-council centers, trying to enrich and manage adolescents' free time, train families in order to have more and better supervision and helping families to have better relationship among family members seems necessary in order to prevent injury.

Keywords: Cultural Vulnerability, Social Vulnerability, Adolescents, Youth

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی و عوامل مرتبط با آن در بین نوجوانان و جوانان و فراهم کردن امکان تدوین تدابیر پیشگیری انجام شد.

روش: این پژوهش توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۸۸ روی فرزندان نوجوان و جوان کارکنان یکی از مراکز دولتی انجام شد جامعه هدف ۱۲۰۰ نفری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از استان‌های تهران، قم، اصفهان، همدان، مازندران، اردبیل، کرمانشاه، اهواز و خراسان رضوی انتخاب شدند و در نهایت تعداد ۱۰۳۰ نفر به مطالعه وارد شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته و شامل ۲۰ مقیاس فرعی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری همبستگی، آزمون T مستقل و تحلیل واریانس به کمک نرم‌افزار SPSS 14 استفاده شد.

یافته‌ها: از نظر آسیب‌پذیری کلی ۷۰/۴٪ افراد مصون، ۱۷/۴٪ افراد عادی و ۱۲/۲٪ افراد دچار آسیب شناخته شدند. بیشترین آسیب‌پذیری به ترتیب در ابعاد نگرش زن سالاری و تساوی‌نگری زن و مرد، ضعف در برنامه اوقات فراغت و اوقات فراغت آسیب‌زا، گرایش به لذت‌طلبی و مادی‌گرایی دیده شد.

نتیجه‌گیری: بسیج امکانات در جهت رسیدگی به آسیب‌های نوجوانان و جوانان، راه‌اندازی مراکز مشاوره برای خانواده‌ها و فرزندان، تلاش برای غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان، ایجاد فرصت‌های اشتغال برای نوجوانان و جوانان، آموزش خانواده‌ها برای نظارت بیشتر و بهتر و کمک به بهبود روابط بین اعضای خانواده‌ها برای پیشگیری از افزایش آسیب ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌پذیری فرهنگی، آسیب‌پذیری اجتماعی، نوجوانان، جوانان

[✉] Corresponding Author: Behavioral Sciences Research Center, Baqiyatallah Medical Sciences University, Tehran, Iran
Email: kh_ahmady@yahoo.com

[✉] مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج)، تهران، ایران

مقدمه

دوران جوانی، مرحله حساسی از زندگی انسان است که در آن طراوت، نشاط و امیدواری با ظرافت، التهاب و دشواری در هم آمیخته است. تحولات جسمانی، هیجانات روانی، نوسانات عاطفی، تمایلات غریزی و تعارضات درونی دائماً ذهن و خاطر جوانان را به خود مشغول می‌کند و بر رشد فرهنگی و اجتماعی آنان تاثیر می‌گذارد. دوران جوانی سرشار از عاطفه، ملاحظت و معرفت است و دین مبین اسلام و سنت و سیره معصومین^(ع) بر تربیت و پرورش مذهبی و اجتماعی جوانان تاکید بسیار دارد. انقلاب اسلامی ایران با احیای فرهنگ دینی و تفکر مذهبی، شخصیت جوانان و حضور فعال آنها را در صحنه‌های مختلف اجتماعی تضمین نمود، جوانان نیز با حضور در صحنه انقلاب و دفاع مقدس حضور خود را ثابت کردند. این انقلاب در دورانی به بار نشست که جهان رو به مادی‌گرایی می‌رفت و انحطاط اخلاقی گسترش می‌یافت. انقلاب اسلامی واکنشی به سقوط اخلاقی بود که گسترش آن را در جامعه ایران متوقف ساخت [۱]. علاوه بر این، انقلاب، ارزش‌های اصیل انسانی و اسلامی را احیا کرد. توجه به معنویات، گسترش حجاب، عفاف، ترویج فرایض، احیای امر به معروف و نهی از منکر، ترویج فرهنگ ایثار، شهادت، شجاعت، مقابله با ظلم و گسترش عدالت از جمله این ارزش‌ها بود. حامل این ارزش‌ها نسل اول انقلاب است. در حال حاضر با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب، افراد واجد ارزش‌های انقلابی رو به پیری گذاشته‌اند و نسل‌های بعدی وارد اجتماع شده‌اند و اینها آینده‌سازان جامعه هستند. این در حالی است که سال‌هاست شاهد نفوذ فرهنگ بیگانه و ترویج فرهنگ مادی و ابتذال اخلاقی در بین جوانان کشور هستیم. گرایش‌هایی وجود دارد که این نسل نتواند ارزش‌های ناشی از انقلاب را دریافت، نگهداری و انتقال دهد. علاوه بر تغییرات تدریجی ارزش‌ها و فرهنگ جامعه که طی فرآیند عادی تبادلات و ارتباطات صورت می‌گیرد، دشمنان انقلاب، جنگ فرهنگی را از زمان انقلاب اسلامی آغاز کردند، این تهاجم بعد از جنگ تحمیلی شدت بیشتری گرفت و اکنون با تمام امکانات فرهنگی وارد میدان شده است [۲]. سعی دشمنان این است که بین گذشته هر نسل، افتخارات، تجربه‌ها و دستاوردها فاصله بیندازند، او را بی‌ریشه کنند، او را از خودش و گذشته‌اش قطع کنند. از سویی دیگر بعضی هستند که امروزه در دنباله کارهای فرهنگی خطرناک، می‌خواهند یاد آن روزها را از خاطره ملت ایران ببرند و از تکرار اسم انقلاب، جنگ، مناطق جنگی، خرمشهر، شلمچه، دوکوهه و امثال این چیزها عصبانی می‌شوند. بر این اساس و به دنبال این نگرانی‌ها و تهدیدات باید برای مقابله با استحاله معنوی آماده باشیم و نگذاریم که این استحاله انجام گیرد. نگذاریم انقلاب را از درون پوک و پوسیده و میان تهی کنند

و تلاش کنیم بنیه معنوی انسان‌ها را سالم، قوی و خوب نگهداریم [۲].

در ایران اهمیت آسیب‌شناسی فرهنگی هنگامی روشن‌تر خواهد بود که به حساسیت‌های سودمند و سعادت‌آفرین دین و فرهنگ اسلام توجه وافر شود و مشخصه‌های فرهنگی اسلام کاملاً مدنظر قرار گیرد. وجود این قبیل حساسیت‌های دینی و فرهنگی، در واقع رهنمود عمل و رفتار امت اسلامی خواهد بود. به برکت وجود همین حساسیت‌هاست که می‌توان حیات و توان و ثبات فرهنگ اسلامی را بیمه کرد و در مقابل بی‌بندوباری‌های فرهنگی و سایر مفاسد فرهنگی و یا فرهنگ فسادانگیز، مقاومت کرد.

مباحث مربوط به آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی گسترده است و اثرات تهاجم فرهنگی نیز گستره وسیعی را شامل می‌شود. یکی از این آسیب‌ها کناره‌گیری اجتماعی است. کناره‌گیری اجتماعی، شامل انزوای اجتماعی و فرار از خانواده است. مکانیسم شروع و تداوم مشکل کناره‌گیری اجتماعی، مشکلات ارتباطات خانوادگی است [۳]. یکی دیگر از مسایل اجتماعی بزهداری است. ضعف همبستگی بین اعضای خانواده، کمبود همدلی والدین، کمبود حضور والدین در منزل، پیش‌بینی‌کننده بزهداری در فرزندان است [۴]. مطابق دیدگاه انتقال بین نسلی موری‌بوئن، مادران و پدران نسل اول که سابقه رفتار ضداجتماعی دارند، مشکلات سلوکی را به کودکان نسل دوم و نسل سوم انتقال می‌دهند [۵]. از زمینه‌های دیگر آسیب، گرایش به اعتیاد است. ۸۴٪ از معتادین در بین اقوام و فامیل خود حداقل یک نفر معتاد داشتند و ۶۹٪ از معتادین حداقل یک عضو دیگر خانواده‌شان معتاد بوده است. همچنین ملاحظه شد که از بین معتادین ۴۹٪ پدر، ۹٪ مادر، ۸٪ برادر، ۳٪ خواهر، ۳٪ دایی، ۲٪ عمه و مابقی نیز فامیل معتاد از قبیل پسر عمو، خواهرزاده و غیره را داشتند [۶]. از سوی دیگر تعارض خانوادگی و محیط آزادگذارنده با گرایش به اعتیاد اعضای خانواده ارتباط دارد [۷]. دختران بیشتر از تعارض خانوادگی و پسران بیشتر از محیط آزادگذارنده تحت تاثیر قرار گرفته و به سوی اعتیاد و استفاده از مواد الکلی گرایش پیدا می‌کنند [۸]. در پژوهشی دیگر ملاحظه شد که حدود ۲۰/۸٪ نوجوانان و جوانان احساس بی‌هویتی دارند، ۷٪ به الگوهای فرهنگ غربی گرایش دارند، ۱۵٪ حداقل یک‌بار با پدر و مادر خود درگیری جدی داشته‌اند. ۱۰/۵٪ احساس می‌کنند در خانواده ارزشی برای آنها قابل نیستند، ۲۸٪ حداقل یک‌بار در پارتی‌های مختلط شرکت داشته‌اند، ۲۳٪ با جنس مخالف رابطه داشته‌اند، ۱۱٪ با زور با جنس مخالف رابطه جنسی برقرار کرده‌اند، پدر ۳۶٪ آنها اکثراً تا دیروقت و بیشتر مواقع بیرون از خانه بوده، ۱۷٪ اعلام کرده‌اند که پدرشان حداقل در یک مورد با تشکیل پارتی مختلط در خانه‌شان موافقت داشته است، حدود ۵۰٪ حداقل

روش

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بود. در این پژوهش ضمن شناسایی میزان شناخت، نگرش و گرایش نوجوانان و جوانان نسبت به آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی، عوامل و متغیرهای مرتبط با آسیب‌پذیری مورد تحلیل قرار گرفت. جامعه مورد مطالعه فرزندان نوجوان و جوان سنین ۱۵ تا ۲۹ سال کارکنان یکی از مراکز دولتی در بازه زمانی اسفندماه ۱۳۸۷ تا بهمن‌ماه ۱۳۸۸ بود. نمونه‌گیری تحقیق به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. در مرحله اول از بین استان‌های سراسر کشور، تعداد ۹ استان براساس پراکندگی جغرافیایی انتخاب شدند. برای انتخاب استان‌ها، ابتدا تمامی استان‌های سراسر کشور به ۵ منطقه شمال، مرکزی، جنوب، شرق و غرب تقسیم، سپس از هر منطقه، دو استان به روش تصادفی انتخاب شد. استان‌های انتخاب‌شده تهران، قم، اصفهان، همدان، مازندران، اردبیل، کرمانشاه، اهواز و خراسان رضوی بودند. با توجه به این که تمرکز جمعیت در شهرهای مرکز استان است و میزان آسیب‌پذیری در بین ساکنین شهرهای بزرگ بیشتر مطرح است، بنابراین مراکز استان‌ها به‌عنوان هدف نمونه‌گیری انتخاب شدند. حجم نمونه، مطابق جدول کرسی و مورگان، ۷۶۸ نفر به نسبت مساوی از دو جنس دختر و پسر برآورد شد. برای افزایش اعتبار داده‌ها، تعداد کل نمونه به ۱۲۰۰ نفر افزایش داده شد. تعداد نمونه برای استان تهران ۳۰۰ نفر و برای هر یک از سایر استان‌ها ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد. با توجه به این که در مطالعه حاضر هدفی برای مقایسه وضعیت استانی وجود نداشت، لذا تعداد نمونه برای کل جامعه آماری محاسبه شد. از سویی دیگر چون تعداد جمعیت تهران حداقل سه برابر جمعیت شهرهای مراکز استان‌های دیگر کشور است، بر این اساس تعداد نمونه در شهر تهران به سه‌برابر افزایش داده شد. در مرحله دوم نمونه‌ها با استفاده از روش تصادفی منظم و با رعایت نسبت‌های جنس، از بین نوجوانان و جوانان انتخاب شدند. با مراجعه به خانواده در محل سکونت آنها در صورتی که دارای فرزند نوجوان و جوان بودند، پرسش‌نامه ارائه شد. در مواردی که خانواده فاقد فرزند نوجوان یا جوان بود، موارد دیگر جایگزین شد. به‌دلیل عدم همکاری برخی از افراد و مخدوش بودن برخی از پرسش‌نامه‌ها، در مجموع اطلاعات مربوط به ۱۰۳۰ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته و شامل مقوله‌ها و متغیرهای مورد بررسی در پژوهش بود. این پرسش‌نامه در ۲۰ زیرمقیاس تنظیم شد که اغلب متغیرهای آسیب‌پذیری را پوشش می‌داد و هر زیرمقیاس دارای ۵ سؤال بود. سئوالات با استفاده از مقیاس پنج‌سطحی لیکرت تنظیم شده بود. زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه عبارت بودند از اعتقادات دینی، تقیدات مذهبی، اعتقاد به نظام، اوقات فراغت، پذیرش خود (هویت

یک‌بار با اعضای خانواده برنامه‌های غیراخلاقی ماهواره را تماشا کرده‌اند، حدود ۱۸٪ از ایرانی‌بودن خود به میزان زیادی ناراضی هستند، حدود ۳۲٪ به میزان زیادی به زندگی در غرب تمایل دارند. بر این اساس ملاحظه شد که ضعف عملکرد خانواده با متغیرهای گرایش به الگوهای فرهنگ غربی (۵۱٪)، احساس بی‌هویتی (۵۰٪)، احساس تنهایی (۴۰٪) احساس بی‌ارزشی در خانواده (۳۴٪) و احساس اجتماعی (۳۸٪)، احساس بی‌ارزشی در خانواده (۳۴٪) و احساس عدم مشارکت اجتماعی (۲۶٪) رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد. همچنین ضعف عملکرد خانواده در خانواده‌هایی که مادر شاغل است و در خانواده‌هایی که پدر بیکار است، بیشتر دیده می‌شود. از سویی دیگر گرایشی به الگوهای فرهنگی غرب در بین پسران بیشتر از دختران و در بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی بیشتر از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان و در بین خانواده‌هایی که پدران و مادران دارای تحصیلات عالی هستند، بیشتر از پدران و مادران با تحصیلات پایین است و نیز در بین خانواده‌هایی که در غرب شهر تهران زندگی می‌کنند، بیش از مناطق دیگر شهر است [۹]. مطابق آنچه در این بخش آمد و به‌دنبال هدف پژوهشی حاضر، خانواده در متن آسیب‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بنابراین برخی از آسیب‌های وارد بر جوانان شامل ناامیدی نسبت به آینده، دوری از معنویات، گرایش به ابتذال، سست‌شدن بنیان‌های خانوادگی، ایجاد شکاف بین والدین و فرزندان، بحران هویت، گسترش اعتیاد، تحمل‌گرایی، تغییر الگوها، بحران ارزشی، اختلال در رفتار اجتماعی، دوری از ارزش‌های دینی و تعارض خانوادگی است. مطالعه آسیب‌شناسی و تعیین آسیب‌پذیری‌های جوانان گام اساسی در مصون‌سازی آنها در برابر تغییرات ارزشی و فرهنگی است. در اثر تهاجم فرهنگی غرب علیه کشور فلیپین، عمر ازدواج‌ها در این کشور از ۳۰ سال به ۸ سال رسید، میزان تبعیت فرزندان از والدین و بزرگان به حداقل رسید و رفتارهای جنسی آزادتر و سخت‌گیری‌های ارتباطات زن و مرد کاهش یافت [۱۰]. در کشور ما نیز خطر بالقوه‌ای برای آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان وجود دارد [۱۱]. تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ایران به‌وضوح دیده می‌شود و این تغییرات هم از درون فرهنگ و هم از برون فرهنگ ناشی می‌شود. عوامل خارجی عمدتاً از طریق دانشجویان، تحصیل‌کردگان خارج از کشور، امکانات صوتی و تصویری و کالاهای غربی وارد می‌شود [۱۲]. می‌توان جوانان را در ترجیح نوع غذا، نوع لباس، نوع فیلم مورد علاقه، نوع موسیقی، نوع آثار نویسندگان و نوع نگرش به انتخاب همسر و میزان اعتمادبه‌نفس از نظر آسیب‌پذیری ناشی از تهاجم فرهنگی مورد مطالعه قرار داد [۱۳].

هدف پژوهش حاضر شناخت میزان آسیب‌پذیری، نوع آسیب‌ها و عوامل مرتبط با آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان است تا امکان تدوین تدابیر پیشگیری و مصون‌ساز به‌وجود آید.

بررسی وضعیت کلی آسیب‌شناسی در بین نوجوانان و جوانان نشان داد که به‌طور متوسط ۷۰/۴٪ نسبت به آسیب‌های فرهنگی مصون هستند. این عده از نظر فرهنگی، اجتماعی و تربیتی وضعیت خوب و مطلوب دارند، ۱۷/۴٪ از آنها افراد عادی هستند. این عده نه دچار آسیب هستند و نه کاملاً مصون و مطمئن و بالاخره ۱۲/۲٪ دچار آسیب فرهنگی، اجتماعی و تربیتی هستند. برای این طبقه‌بندی از نمره میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. براساس نتایج به‌دست آمده حداقل نمره ۱۱۵، حداکثر نمره ۳۸۵، نمره میانگین کل $199/73 \pm 41/01$ بود (جدول ۲).

جدول ۲) وضعیت آسیب‌شناسی کلی در بین نوجوانان و جوانان

عوامل	فراوانی	درصد
افراد مصون	۷۲۵	۷۰/۴
افراد عادی	۱۷۹	۱۷/۴
افراد دچار آسیب	۱۲۶	۱۲/۲

رتبه‌بندی ابعاد آسیب‌پذیری براساس میزان فراوانی افراد دچار آسیب نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به نگرش زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد، فقدان برنامه اوقات فراغت و اوقات فراغت آسیب‌زا، گرایش به لذت‌طلبی و مادی‌گرایی، گرایش به استفاده از ماهواره و رسانه خارجی، گرایش به ارتباط دوستی با جنس مخالف و ضعف اعتقاد به نظام بود (جدول ۳).

جدول ۳) رتبه‌بندی ابعاد آسیب‌پذیری براساس میزان فراوانی آسیب

رتبه	ابعاد آسیب‌پذیری	درصد افراد دچار آسیب
۱	نگرش زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد	۳۴/۹
۲	فقدان برنامه اوقات فراغت و اوقات فراغت آسیب‌زا	۲۰/۱
۳	گرایش به لذت‌طلبی و مادی‌گرایی	۱۷
۴	گرایش به استفاده از ماهواره و رسانه خارجی	۱۷
۵	گرایش به ارتباط دوستی با جنس مخالف	۱۶/۷
۶	ضعف اعتقاد نسبت به نظام	۱۶/۷
۷	گرایش به استفاده از نوار و فیلم مبتذل	۱۳/۳
۸	تقیدات مذهبی ضعیف	۱۱/۳
۹	ضعف اعتقاد به حجاب اسلامی	۱۰/۷
۱۰	هویت فردی ضعیف (ضعف پذیرش خود)	۱۰/۱
۱۱	پای‌بندی ضعیف نسبت به قانون (قانون‌گریزی)	۱۰
۱۲	گرایش به مد و الگوهای منفی	۱۰
۱۳	وجود شکاف بین نسل‌ها	۹/۹
۱۴	روابط خانوادگی سرد و متعارض	۹/۴
۱۵	گرایش به غرب	۷/۹
۱۶	آگاهی کم و ضعیف نسبت به تهاجم فرهنگی	۶/۶
۱۷	ارتباط با دوستان ناباب	۶/۴
۱۸	ضعف در اعتقادات دینی	۵/۸
۱۹	هویت ملی ضعیف	۵/۷
۲۰	گرایش به اعتیاد	۳/۱

فردی)، ارتباط یا شکاف بین نسل‌ها، روابط خانوادگی، مدرگرایی و الگوگیری، نگرش تساوی‌گری زن و مرد، لذت‌طلبی و مادی‌گرایی، حجاب و پوشش اسلامی، ارتباطات دوستی، استفاده از نوار و فیلم، ارتباط با جنس مخالف، گرایش به اعتیاد، قانون‌گرایی، هویت ملی، استفاده از ماهواره و رسانه‌های خارجی، غرب‌گرایی و آگاهی از تهاجم فرهنگی. پرسش‌نامه پس از تدوین اولیه از نظر روایی محتوا و سازه مورد بررسی و تایید قرار گرفت و برای تایید آن علاوه بر پژوهش‌های دیگران، از همکاران و متخصصان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی استفاده شد. همچنین اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از روش همبستگی درونی بررسی شد. میزان همبستگی درونی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۵ به‌دست آمد که میزان قابل قبولی برای پژوهش است. براساس این پرسش‌نامه هر فرد می‌توانست بین صفر تا ۴۰۰ نمره را کسب نماید.

داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در آن از روش‌های آماری محاسبه فراوانی، میانگین، ضریب همبستگی و آزمون T و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

یافته‌ها

از مجموع ۱۰۳۰ نفر از نوجوانان و جوانانی که در این پژوهش شرکت داشتند، ۵۱/۶٪ دختر بودند. میانگین سنی دختران $18/6 \pm 2/8$ و میانگین سنی پسران $18/3 \pm 2/7$ بود که از نظر آماری و براساس آزمون T گروه‌های مستقل تفاوت معنی‌داری با هم نداشتند (جدول ۱).

جدول ۱) توزیع فراوانی جمعیت مورد بررسی به تفکیک نوع جنس

عوامل	گروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	دختر	۵۳۱	۵۱/۶
	پسر	۴۹۹	۴۸/۴
سن	۱۲-۱۵	۱۳۵	۱۳/۱
	۱۶-۲۰	۶۸۳	۶۶/۳
	۲۱-۳۰	۱۹۱	۱۸/۵
	مشخص نشده	۲۱	۲
وضعیت اشتغال	اشتغال به تحصیل	۷۲۴	۷۰/۳
	اشتغال به کار	۹۳	۹
	سرباز	۱۴	۱/۴
	بی‌کار	۱۵۶	۱۵/۱
	مشخص نشده	۴۳	۴/۲
	جنوب شهر	۱۸۶	۱۸/۱
موقعیت محل سکونت	مرکز شهر	۲۱۷	۲۱/۱
	شمال شهر	۲۴۱	۲۳/۴
	شهرک نزدیک شهر	۲۸۲	۲۷/۴
	منطقه خارج از شهر	۲۱	۲
	مشخص نشده	۸۳	۸/۱
	جمع	۱۰۳۰	۱۰۰

جدول ۴) میزان رابطه همبستگی بین هر یک از ابعاد آسیب‌پذیری با آسیب‌پذیری کلی

متغیر	ضریب همبستگی
ضعف در حجاب اسلامی	۰/۸۱
گرایش به مد و الگوهای منفی	۰/۷۸
گرایش به غرب	۰/۷۸
گرایش به رابطه دوستی با جنس مخالف	۰/۷۴
استفاده از نوار و فیلم مبتدل	۰/۷۲
ضعف اعتقادات دینی	۰/۷۰
شکاف بین نسل‌ها	۰/۶۹
مشکلات روابط خانوادگی	۰/۶۹
قانون‌گریزی	۰/۶۹
ضعف اعتقاد به نظام	۰/۶۹
گرایش به لذت‌طلبی و مادی‌گرایی	۰/۶۶
ضعف تقیدات مذهبی	۰/۶۴
ارتباط با دوستان ناباب	۰/۶۲
ضعف هویت ملی	۰/۶۱
گرایش به ماهواره و رسانه خارجی	۰/۵۹
ضعف پذیرش خود	۰/۵۳
اوقات فراغت آسیب‌زا	۰/۵۳
گرایش به اعتیاد	۰/۴۳
نگرش تساوی نقش زن و مرد	۰/۳۴
ضعف آگاهی از تهاجم فرهنگی	۰/۳۴

همه موارد در سطح ۰/۰۱- معنی‌دار هستند.

آسیب‌پذیری کلی در جدول ۴ آمده است. بین دختران و پسران از نظر میزان آسیب‌پذیری کلی فرهنگی اجتماعی تفاوت معنی‌داری در سطح $p < ۰/۰۵$ وجود ندارد. میزان آسیب‌پذیری کلی در فرزندان که مادران‌شان شاغل بودند بیشتر بود (جدول ۵). میزان آسیب‌پذیری کلی در بین فرزندان که از سوی والدین کمتر نظارت می‌شوند، به‌طور معنی‌داری بیش از سایر افراد بود. همچنین کسانی که به میزان خیلی زیاد کنترل می‌شدند، میزان آسیب‌پذیری کمتری داشتند (جدول ۶).

بحث

نتایج نشان داد که آسیب فرهنگی و اجتماعی بر نوجوانان و جوانان نفوذ کرده است. هر چند شواهد متعددی می‌تواند وجود داشته باشد که تایید کند میزان آسیب پایین است [۹، ۱۹]، در عین حال بروز آسیب، گسترش آن را ممکن می‌سازد. ۱۲/۵٪ از نوجوانان و جوانان حداقل به یکی از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دچار هستند. چنین وضعی می‌تواند هم نگران‌کننده باشد و هم ضرورت بسیج امکانات را در جهت پیشگیری و درمان آنها سوق می‌دهد. آن‌چنان‌که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، از بین ابعاد بیست‌گانه آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی نوجوانان و جوانان، بعد نگرش زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد رتبه اول را به خود اختصاص داده است و بنابراین ۳۴/۹٪ گرایش به دیدگاه زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد دارند و این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

بررسی رابطه همبستگی بین هر یک از ابعاد آسیب‌پذیری با

جدول ۵) نتایج آزمون T و تحلیل واریانس برای مقایسه میزان آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان بر حسب جنس، اشتغال مادر

متغیر	تعداد گروه‌ها	میانگین نمره	انحراف استاندارد	ارزش T	سطح معنی‌داری
جنسیت	دختران	۱۹۹	۳۹/۹	-۰/۱۷	۰/۸۷
	پسران	۱۹۹	۴۲/۲		
اشتغال مادر	شاغل	۲۰۹	۴۲/۳	۳/۰۷	۰/۰۰۲
	غیرشاغل	۱۹۷	۴۰/۵		

جدول ۶) نتایج آزمون T و تحلیل واریانس برای مقایسه میزان آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان بر حسب میزان نظارت خانواده

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطوح تعداد	نمره میانگین	انحراف معیار	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	FR	FP	نتیجه آزمون پسین
آسیب‌پذیری فرهنگی و اجتماعی	میزان نظارت	کم	۲۲۲	۵۲/۷	۱۱۷۶۶۷	۳۹۲۲۲	۲۵/۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۳ و ۴ >
		معمولی	۲۷۱	۳۹/۸	۱۵۷۷۱۷۱	۱۵۶۷			۳ و ۴ >
		زیاد	۳۶۰	۳۸/۱	۱۶۹۴۸۳۸				
		خیلی زیاد	۳۳۵	۳۹/۱					

باید اعتراف کرد که بخش قابل توجهی از نسل جوان امروزی مطابق گرایش، ادبیات، فلسفه، نگرش و توصیه‌ها و خواسته‌های دیدگاه فمینیستی به خود، خانواده و دیگران نگاه می‌کند، می‌اندیشد و رفتار می‌کند. آنها شیوه رفتاری والدین را سنتی می‌دانند و از آن الگو نمی‌گیرند. در این شرایط حراست از هویت‌های وابسته به جنس، نقش‌های وابسته به زوج، رفتارهای وابسته به خانواده ضرورت دارد، چراکه دیدگاه زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد با آسیب‌پذیری کلی پایین‌ترین رابطه همبستگی (۰/۳۴) را دارد. البته این میزان رابطه نیز قابل توجه است، ولی آنچه مهم است این‌که میزان گرایش زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد در بین پسران و دختران متفاوت است و این تفاوت نشان می‌دهد که نگرش زن‌سالاری و تساوی‌نگری نقش زن و مرد در دختران بیش از پسران است که این موجبات بروز تعارضات خانوادگی خواهد بود و می‌توان بخشی از تعارضات خانوادگی و روابط زوجین را به تفاوت زن و شوهر در زمینه این نگرش نسبت داد. نهضت تساوی‌طلبی زنان به صورت منسجم سابقه‌ای بیش از ۱۵۰ ساله دارد. اما از اواخر قرن نوزدهم بود که اندیشه زن‌گرایانه غربی در قالب آثار مکتوب توسط نویسندگانی مسلمان آشنا به غرب، به کشورهای اسلامی راه یافت [۱۴]. در جوامع اسلامی که در ادبیات فمینیسم رادیکال و لیبرال به شکل عریان مقبولیت پیدا نمی‌کند، به کار گرفتن ادبیات دینی در طرح این دیدگاه راه مناسبی برای دفاع از آموزه‌های فمینیستی و ایجاد جنبش‌های زنانه‌ای بود که مقابله با اصول‌گرایی را در دستور کار خود قرار می‌دهد [۱۵]. با گسترش دیدگاه فمینیستی، خانواده دچار تحولاتی شد و این تحولات موافقان و مخالفان خود را دارد و از نظر علمی و آسیب‌پذیری خانواده جای مطالعه دارد. عمده تغییرات عبارت بود از تغییر مدیریت خانواده، تغییر ساختار و قدرت و مرجع تصمیم‌گیری خانواده، تغییر نقش‌های خانواده و تغییر سیستم محاوره‌ای و حتی تغییر استحکام و دوام خانواده [۱۶].

در خصوص آسیب‌های مرتبط با اوقات فراغت می‌توان گفت که اوقات فراغت، مدت زمانی است که پس از انجام وظایف رسمی یا غیررسمی افراد به وجود می‌آید و در طی آن افراد به اعمال و رفتارهایی که بدان علاقمند هستند می‌پردازند و این یکی از نیازهای طبیعی آدمی است. بنابراین اوقات فراغت فرصتی برای رفع خستگی، رشد شخصی، افزایش علایق خانوادگی و توسعه رغبت‌ها و انگیزش شغلی است [۱۸، ۱۹]. امروزه فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به مثابه آیین فرهنگ جامعه یاد می‌کنند. به این معنا که چگونگی گذراندن اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی‌های فرهنگ آن جامعه است [۱۸، ۱۹].

انجام گرفته نشان داده شده است کسانی که اوقات فراغت خود را با خانواده سپری می‌کنند، برای اوقات فراغت خود به خوبی برنامه‌ریزی می‌کنند، در طی این مدت به امورات خانوادگی رسیدگی می‌کنند، به مطالعه یا انجام امورات مذهبی، دینی و اجتماعی می‌پردازند دچار آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی کمتری هستند [۱۸، ۱۹]. مطابق تحقیق حاضر ۲۰/۷٪ از نوجوانان و جوانان در نحوه گذراندن اوقات فراغت خود دچار آسیب هستند. توجه به این موضوع که نحوه گذراندن اوقات فراغت با آسیب‌پذیری کلی ۰/۵۳، با گرایش به مد و الگوهای منفی ۰/۵۳، با ضعف تقیدات مذهبی و با مشکلات ارتباطی خانواده ۰/۴۵، با قانون‌گریزی ۰/۳۸، با ضعف اعتقاد به حجاب و با گرایش به استفاده از نوار و فیلم مبتذل ۰/۳۶، با شکاف بین نسل و گرایش به ارتباط دوستی با جنس مخالف ۰/۳۸، رابطه همبستگی دارد. بر این اساس لازم است اولاً نحوه گذراندن اوقات فراغت اثربخش و برنامه‌ریزی راجع به آن به نوجوانان و جوانان و خانواده‌ها آموزش داده شود. ثانیاً امکانات و فرصت‌های مناسب جهت گذراندن اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان فراهم شود. گرایش به لذت‌طلبی و مادی‌گرایی از نظر میزان آسیب، رتبه سوم را در بین نوجوانان و جوانان دارد. بررسی میزان این آسیب نشان داد که ۱۷٪ افراد به سوی لذت‌طلبی، رفاه و مادی‌گرایی گرایش دارند. شناخت عوامل مرتبط با لذت‌طلبی و مادی‌گرایی مهم و قابل توجه است. از سویی دیگر استفاده از ماهواره و رسانه‌های خارجی از نظر میزان شیوع، چهارمین رتبه را در بین ابعاد ۲۰گانه آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی دارد. ۱۷٪ از افراد مورد بررسی، به استفاده از ماهواره و رسانه‌های خارجی گرایش دارند. وقتی برنامه‌های ماهواره و رسانه‌های خارجی ابزاری در خدمت تهاجم فرهنگی به کشور اسلامی است، لذا انتظار می‌رود این برنامه اهداف تهاجم فرهنگی را دنبال نماید. تهاجم فرهنگی عفاف و شرم را از مردم سلب می‌کند، انگیزه‌ها را واژگون می‌سازد، اندیشه غیرخدایی را القا می‌کند، فحشا و بی‌بندوباری جنسی را ترویج می‌دهد، تحریک جنسی ایجاد می‌کند و افراد را به سوی خوش‌گذرانی سوق می‌دهد. افراد جامعه را نسبت به خود، خانواده و کشور و ملیت خود بدبین می‌سازد [۲۰، ۲۱، ۲۲].

گرایش به ارتباط با جنس مخالف از نظر رتبه به‌عنوان پنجمین آسیب فرهنگی، اجتماعی محسوب می‌شود و این گرایش در بین ۱۶/۷٪ از نوجوانان و جوانان شایع است. ارتباط با جنس مخالف ناشی از عوامل متعددی است. قباحات این موضوع در بین برخی‌ها آن قدر تضعیف شده که چنین ارتباطی را نه تنها حرام نمی‌دانند، بلکه برای رشد اجتماعی لازم می‌شمارند. ارتباط با جنس مخالف محصول کاهش اعتقادات دینی، ضعف تقیدات دینی، استفاده از نوار و فیلم مبتذل، ارتباط با دوستان ناباب، عدم رعایت حجاب اسلامی، استفاده از ماهواره و در مجموع غرب‌گرایی و لذت‌طلبی

قابل ملاحظه‌ای داشته است، ولی هنوز شیفت کاری زن در خانه تغییر قابل ملاحظه‌ای ندارد. سیستم مدیریت جامعه و قوانین حمایت از اشتغال بیشتر مردانه است، زن در برخی از مراکز اشتغال مورد سوء استفاده جسمی و عاطفی قرار می‌گیرد. صاحبان مشاغل، ملاک‌های واقعی را در فرآیند گزینش و به‌کارگیری زنان اعمال نمی‌دارند، تعارض اشتغال و عدم اشتغال زن در بین اعضای خانواده همچنان وجود دارد و به‌طور کامل حل نشده است. فرزندان نحوه اداره خود بدون حضور والدین را به‌خوبی نیاموخته‌اند، خستگی زن در اثر اشتغال در بیرون از منزل قابل درک اطرافیان نیست و بالاخره این‌که اشتغال زن در طول مدت اشتغال مرد تاثیر نداشته است و غیبت فیزیکی آنها در بیشتر ساعات شبانه‌روز و غیبت عاطفی آنها در اکثر ساعات شبانه‌روز، می‌تواند آثار زیان‌باری بر خانواده بر جای گذارد.

نتیجه‌گیری

میزان آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان با نوع جنس، وضعیت اشتغال مادر و میزان نظارت والدین رابطه دارد. میزان آسیب فرهنگی در بین پسران بیشتر از دختران است و میزان ضعف در پایبندی مذهبی و میزان گرایش به غرب در بین پسران بیشتر از دختران است. کسانی که اوقات فراغت خود را با خانواده سپری می‌کنند، برای اوقات فراغت خود به‌خوبی برنامه‌ریزی می‌کنند، طی این مدت به امورات خانوادگی رسیدگی می‌کنند، به مطالعه یا انجام امورات مذهبی، دینی و اجتماعی می‌پردازند و دچار آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی کمتری هستند.

منابع

- 1- Kazemi SA. Crisis of modernism and the political culture in contemporary. Tehran: Ghods Publication; 1997. [Persian]
- 2- Deputy Education Ideological-Political. Cultural threats and counter strategies in Rahbar speech. Tehran: Kowsar Publication; 2002. [Persian]
- 3- Suwa M, Suzuki K, Hara K, Watanabe H, Takahashi T. Family features in primary social withdrawal among young adults. J Psychiatr Clin Neurosci. 2003;57(6):586-94.
- 4- Wiesner M, Silbereisen K. Trajectories of delinquent behaviour in adolescence and their covariates: Relations with initial and time-averaged factors. J Adolesc. 2003;26(6):753-71.
- 5- Smith CA, Farrington DP. Continuities in antisocial behavior and parenting across three generations. J Child Psychol Psychiatry. 2004;45(2):230-2.
- 6- Abdolmaleki S. An overview of mutual behavioral interactions addicted families. Tehran; Third Proceedings of Old and Addiction, 2000. [Persian]
- 7- Wu N, Lu Y, Sterling S, Weisner C. Family environment factors and substance abuse severity in an HMO adolescent treatment population. J Clin Pediatr.

و نهایتاً محصول تهاجم فرهنگی است. از سویی دیگر نتایج تحقیق نشان داد که میزان آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان با نوع جنس، وضعیت اشتغال مادر و میزان نظارت والدین رابطه دارد. از نظر نوع جنس ملاحظه شد که در بیشتر ابعاد آسیب‌پذیری میزان آسیب پسران بیشتر از دختران است. مشابه این نتایج در پژوهش مردان‌پور نیز ملاحظه شده است. همچنین در پژوهشی دیگر [۱۸، ۱۹] نشان داده شد که میزان آسیب فرهنگی در برخی موارد در بین پسران بیشتر از دختران است و میزان ضعف در پایبندی مذهبی و میزان گرایش به غرب در بین پسران بیشتر از دختران است. از سویی دیگر، وقتی نظارت والدین بیشتر است، میزان آسیب‌پذیری کاهش می‌یابد. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود در مواردی که الگوهای تربیتی آزادگذارنده اعمال می‌شود و میزان نظارت و کنترل والدین کاهش می‌یابد، میزان آسیب‌پذیری فرهنگی و اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. متأسفانه شیوه آزادگذارنده به سبک تربیتی بسیاری از والدین وارد شده است. در خانواده‌هایی هم که نظارت روی فرزندان جزء برنامه‌های تربیتی آنها است، پدر حضور کم‌رنگ در خانواده دارد و وظیفه و مسئولیت مهم نظارت بر عهده مادر گذاشته شده است. مادران بهتر می‌توانند روی دختران نظارت داشته باشند و از کنترل و نظارت فرزندان پسر آن هم پسران جوان عاجز هستند. بنابراین انتظار می‌رود فرزندان پسر که در سن جوانی هستند، تحت نظارت خانواده قرار نگیرند و میزان آسیب در بین آنها بیشتر شود. در این خصوص لازم است که اولاً سیستم نظارتی در خانواده‌ها تقویت شود. البته نظارت نباید سخت‌گیرانه و تعارض‌زا باشد. ثانیاً پدران در نظارت به فرزندان نقش و مسئولیت داشته باشند و حتی نظارت بر روی فرزندان پسر در دوره جوانی بر عهده پدر قرار گیرد. فرزندان پسر در جامعه از آزادی بیشتری برخوردار هستند. آزادی به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی، بهتر است محدود و مشروط باشد تا موجب افزایش آسیب‌پذیری و انحراف جوان نشود. از فرزندان پسر حداقل به میزان فرزندان دختر انتظار رفتار اخلاقی، رعایت حجاب و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی وجود داشته باشد.

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با آسیب‌پذیری فرزندان، اشتغال مادر بود. ملاحظه شد که اشتغال مادر در دوازده عامل مورد بررسی تاثیرگذار است. این موضوع از این لحاظ قابل توجه است که در عصر حاضر اشتغال زنان، به‌عنوان یک ضرورت فردی و اجتماعی مطرح شده است و حتی در برخی از فرصت‌های شغلی، زنان گوی سبقت را از مردان رفته‌اند. همچنان که در نتایج کنکور دانشگاه، این وضع به‌روشنی ملاحظه می‌شود. نکته قابل تامل این‌که لازم است پا به پای اشتغال زنان، تغییرات و تسهیلاتی در شرایط زندگی خانوادگی و اجتماعی ایجاد شود. علی‌رغم این‌که در دهه اخیر، اشتغال زنان در کشور ما پیشرفت

- 15- Tashakkori Z. Women intellectuals look. Tehran: Taha Publication; 2002. [Persian]
- 16- Estefan M, Sinkler P. Forewords of sociology. Saghebfar M, translator. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2002. [Persian]
- 17- Jarollahi O. Employment of women workers on the level of participation of couples in the family. J Soc Sci. 1995;7(8):135-50. [Persian]
- 18- Ahmadi Kh. Pathology cultural family [research project]. Tehran: Basig Research Organization; 2005. [Persian]
- 19- Ahmadi Kh. Effective and non-efficient methods of non-leisure time in the family. Tehran; Third National Congress of Military Medicine, 2005. [Persian]
- 20- Sadeghi N. Two new west cultural invasion. Kowsar J. 2003;3(2):11-3. [Persian]
- 21- Loghmani A. Assailants gun culture. Tehran: Farhangi Publication; 1999. [Persian]
- 22- Sabziyan S. Cultural aggression as a social problem. Pazhohesh J. 2002;2(3):11-4. [Persian]
- 23- Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. Educ Psychol Measur. 1970;30:607-10. 2004;43(4):323-33.
- 8- Kane J. The relation among depression in father, childrens psychopathology and father-child conflict. J Clin Psychol Rev. 2004;24(3):3339-60.
- 9- Mardanpoor N. Identity crisis and cultural discontinuity, with emphasis to the effect of social system performance without the emergence of social identity and sense of orientation to patterns of juvenile western culture. Tehran: Islamic Research Institute; 1999. [Persian]
- 10- Lapuse LV. Philipino marriages in crisis. Quezen: New Day Pub; 1986.
- 11- Jahad-e-Daneshgahi. Prevention of moral pressure on schools. Tehran: Jahad Publication; 1986. [Persian]
- 12- Seddigh-Oraei GR. Influence how the culture of the west through the implementation of cultural programs. Tehran: Jahad Publication; 1994. [Persian]
- 13- Pasandideh MM. Effects of cultural invasion and west information on mental processes and behavior of students [dissertation]. Tehran: Allame Tabatabaei University; 1995. [Persian]
- 14- Tohidi N. Islamic feminism: Democratic or challenge theoretical rotational. Iran-Name J. 1997;13:129. [Persian]